**(12)**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

این مظلوم اراده نموده لوجه الله بر شما القا نماید آنچه را که سبب بقای ابدی و ذکر سرمدیست شکی نبوده و نیست که مقصود از آفرینش معرفت حق جل جلاله بوده حال باید خالصا لوجه المقصود انسان تفکر نماید که سبب اقبال نفوس بمشارق وحی و مطالع الهام در قرون و اعصار چه بوده و علت اعراض چه ؟ اگر بعرفان این مقام فائز شوی بکل خیر فائزی و از امواج بحر عرفان حق جل جلاله محروم نمانی ما سوی الحق را معدوم مشاهده کنی و مفقود بینی انسان چون بمقام بلوغ فائز شد باید تفحص نماید و متوکلا علی الله و مقدسا عن الحب و البغض در امری که عباد بآن متمسک اند تفکر کند و بسمع و بصر خود بشنود و ببیند چه اگر ببصر غیر ملاحظه نماید از مشاهده تجلیات انوار نیر عرفان الهی محروم ماند احزاب مختلفه در عالم موجود و هر حزبی خود را حق دانسته و میدانند بقوله تعالی " کل حزب بما لدیهم فرحون "

در خاتم انبیاء روح ما سواه فداه تفکر نمائید چون آن نیر حقیقی باراده الهی از افق حجاز اشراق نمود احزاب اعراض نمودند و بر سفک دم اطهرش قیام کردند وارد شد بر آنحضرت آنچه که عیون ملأ اعلی گریست و افئده مخلصین و مقربین محترق گشت باید در سبب و علت اعتراض تفکر نمود حق جل جلاله میفرماید " ما یأتیهم من رسول إلا کانوا به یستهزءون " و شکی نبوده و نیست که اگر مظاهر اوامر الهی و مصادر احکام ربانی موافق و مطابق آنچه در دست قومست از اشارات ظهور و اخبار و نصوص ظاهر میگشتند احدی اعراض نمی نمود بلکه کل فائز میشدند بآنچه که از برای او از عدم بوجود آمده اند و از نیستی بحت بات بطراز هستی مزین گشته اند لذا بر هر نفسی لازم است که بعدل و انصاف در امر الله ملاحظه نماید و تفکر کند علمای امامیه بر آنند که حضرت قائم موعود بعد از ظهور در بیت الله بکلمه ای نطق میفرمایند که نقبا از آن کلمه اعراض مینمایند و فرار اختیار میکنند این کلمه ایست که آن حزب بآن مقر و معترفند حال در غفلت بعضی تفکر نمائید باعراض نقبا که بعد از ائمه باعتقاد خود ایشان اشرف عبادند قائلند و تصدیق مینمایند و در خود گمان نمی کنند که شاید این اعراض من غیر حق باشد باری ندای مظلوم و آنچه ذکر نموده بسمع انصاف بشنوید یظهر لک الحق و صراطه المستقیم در یک آن تفکر نمی نمایند که شاید آنچه ظاهر شده حق باشد و این اعراض و اعتراضات از غفلت و جهل واقع شده باشد از حق میطلبیم شما را تأیید فرماید تا ببصر عدل و انصاف مشاهده کنید و تفرس نمائید إنه یقول الحق و یهدی السبیل و هو العزیز الجمیل

حضرت عیسی ابن مریم علیه سلام الله و عنایته بآیات واضحات و بینات باهرات ظاهر شد و مقصودش نجات خلق بوده هر منصفی شاهد و هر خبیری گواهست آن حضرت از برای خود چیزی نطلبیده و نخواسته و مقصودش هدایت گمراهان بصراط مستقیم الهی بوده لکن وارد شد بر آن جمال اقدس آنچه که اهل فردوس نوحه نمودند و بقسمی بر آن حضرت امر صعب شد که حق جل جلاله باراده عالیه بسماء چهارم صعودش داد آیا سبب آنچه ظاهر شد چه بوده ؟ لعمر الله اعراض علماء چه که حنان و قیافا که از فریسیین بوده اند یعنی علمای توراة مع علمای اصنام انکار نمودند و بسب و لعن مشغول گشتند

و همچنین در حضرت کلیم و سائر انبیاء ملاحظه فرمائید شاید آنچه در این ورقه ذکر شده شما را بعرفان مذکور فائز فرماید و بکمال همت بر خدمت امر قیام نمائی قیامیکه از سطوت ظالمین مضطرب نشود و از اعراض علماء تغییر نیابد

بشنو ندای این مظلوم را و از شمال وهم بیمین یقین توجه نما و از مغرب ظن و گمان بمشرق ایقان اقبال کن این مظلوم از اول ایام ما بین ایادی اعداء مبتلا البته بعضی از بلایای وارده را اصغا نموده اید بعنایت حق جل جلاله امام وجوه خلق از علماء و امراء من غیر ستر و حجاب آنچه سبب نجات و راحت کل بود القا نمودیم هیچ امری از امور و هیچ شیئی از اشیاء منع ننمود و حایل نگشت و حال هم در سجن اعظم لوجه الله ذکر نمودیم آنچه را که از برای منصفین کتابیست مبین انظر ثم اذکر ما أنزله الرحمن فی الفرقان بقوله تعالی " ذرهم فی خوضهم یلعبون "

امید آنکه از فضل الهی باین کلمه فائز شوی و بآن عمل نمائی از ما سوی الله یعنی اموریکه سبب منع و علت احتجابست بگذری و آنچه سبب بلوغ و وصول است تمسک جوئی امر عظیم است و مطلب بزرگ و یوم یومیست که میفرماید " یا بنی إنها إن تک مثقال حبة من خردل فتکن فی صخرة أو فی السموات او فی الارض یأت بها الله إن الله لطیف خبیر " امروز روزیست آنچه در قلوب و نفوس مستور است ظاهر و آشکار شود در نفوسی که رایگان جان و مال را در سبیل محبت غنی متعال انفاق نموده اند تفکر نمائید إنه یهدیک إلی صراطه المستقیم و نبئه العظیم در حضرت نوح و هود و صالح صلوات الله علیهم ملاحظه کن مقصود آن مشارق امر چه بود و چه وارد شد

 این عبد از اهل علم نبوده و مدرسه نرفته و بر حسب ظاهر در بیت یکی از رجال دولت متولد شده و باو منسوب إن الأمر بید الله ربک رب العرش و الثری و مالک الآخرة و الأولی لا مانع لأمره و لا دافع لحکمه یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو المقتدر القدیر اسمع نداء المظلوم طهر قلبک بماء الانقطاع و زین رأسک بأکلیل العدل و هیکلک برداء التقوی و قل :

 الهی الهی أشهد بوحدانیتک و فردانیتک و أعترف بما نطقت به ألسن انبیائک و رسلک و ما أنزلته فی کتبک و صحفک و زبرک و الواحک ای رب انا عبدک و ابن عبدک أشهد بلسان ظاهری و باطنی بأنک أنت الله لا إله إلا أنت الفرد الواحد المقتدر العلیم الحکیم آه آه یا الهی من جریراتی العظمی و خطیآتی الکبری و من غفلتی التی منعتنی عن التوجه إلی مشرق آیاتک و مطلع بیناتک و عن النظر إلی تجلیات انوار فجر ظهورک و مشاهدة آثار قلمک فآه آه یا مقصودی و معبودی لم أدر بأی مصیبة من مصائبی أنوح و أبکی أ أنوح علی ما فات عنی فی أیام فیها أشرق و لاح نیر الظهور من إفق سماء إرادتک أم أنوح و أبکی عن بعدی عن ساحة قربک إذ ارتفع خباء مجدک علی أعلی الأعلام بقدرتک و سلطانک ؟ کلما زاد یا الهی رأفتک فی حقی و صبرک فی أخذی زادت غفلتی و إعراضی قد ذکرتنی إذ کنت صامتا عن ذکرک و أقبلت إلی بمظهر نفسک إذ کنت معرضا عن التوجه إلی انوار وجهک و نادیتنی إذ کنت غافلا عن اصغاء ندائک من مطلع أمرک و عزتک قد أحاطتنی الغفلة من کل الجهات بما اتبعت النفس و الهوی فآه آه إرادتی منعتنی عن إرادتک و مشیتی حجبتنی عن مشیتک بحیث تمسکت بصراطی تارکا صراطک المستقیم و نبأک العظیم

تری و تسمع یا الهی حنینی و بکائی و ضجیجی و ذلتی و بلائی ای رب هیکل العصیان أراد امواج بحر غفرانک و عفوک و جوهر الغفلة بدایع مواهبک و ألطافک فآه آه ضوضاء العباد منعتنی عن اصغاء بیانک و نعاق خلقک حجبنی عن النظر إلی أفق أمرک و عزتک أحب أن أبکی بدوام ملکک و ملکوتک فکیف لا أبکی ؟ أبکی بما منعت عینی عن مشاهدة أنوار شمس ظهورک و أذنی عن اصغاء ذکرک و ئنائک و عزتک یا إله العالم و سلطان الأمم أحب أن أستر وجهی تحت أطباق الأرض و ترابها من خجلتی و بما اکتسبت أیادی غفلتی فآه آه کنت معی و سمعت منی ما لا ینبغی لک و بفضلک سترت عنی و ما کشفت سوء حالی و أعمالی و أقوالی فآه آه لم أدر ما قدرت لی من قلمک الأعلی و ما شاءت مشیتک یا مالک الأسماء و فاطر السماء فآه آه أن یمنعنی قضاؤک المحتوم عن رحیقک المختوم أسألک بنفحات وحیک و أنوار عرشک و بالذی به تضوع عرف قمیصک فی الحجاز و بنور أمرک الذی به أشرقت الأرض و السماء بأن تجعلنی فی کل الأحوال مقبلا إلیک منقطعا عن دونک و متمسکا بحبلک و متشبثا بأذیال رداء جودک و کرمک و اختار لنفسی ما اخترته لی بعنایتک الکبری و مواهبک العظمی یا من فی قبضتک زمام الأشیاء لا إله إلا أنت رب العرش و الثری و مالک الآخرة و الأولی